



نمایی از سه برهه کودکی، جوانی و میانسالی «هی اردگانی، شخصیت اصلی سریال «سرزمین مادری» با بازی علی شادمان، شهاب حسینی و آرش مجیدی

بررسی تلاش تلویزیون برای افزایش مخاطب «سرزمین مادری» در گفت‌وگو با مدیر «سیمافیلیم»

انتقادات به ضعف صداوسیما در تبلیغات سریال‌ها وارد است

گفت‌وگو

فاطمه ترکاشوند خبرنگار

سریال «سرزمین مادری» این روزها مهم‌ترین و پربیننده‌ترین سریال تلویزیون است؛ سریالی که با پایان یافتن فصل دوم آن، پس از روایت چند برهه حساس تاریخ یک سده اخیر کشور در قالب درامی درباره زندگی پرفراز و نشیب یک پسر بچه، حالا می‌رود تا به برهه وقوع انقلاب اسلامی نزدیک‌تر شود. اما وجوه برجسته بسیاری که «سرزمین مادری» را از همه آثار مشابه آن در تاریخ تلویزیون متمایز کرده، پرداختن به ایفاد مختلف آن است که آن را منحصر به فرد می‌کند. از یک سو توقیف ده‌ساله و از سوی دیگر روایت جذاب آن از سبقه و مسیر رشد گروه‌های مختلف صاحب اندیشه در شکل دادن به حرکت مردم در عبور از دالان تاریخ ایران در یک قرن اخیر و نوع اثرگذاری آنان بر وقوع انقلاب اسلامی، باعث شده تا نه تنها دلسوزان تلویزیون بلکه نخبگان رصدکننده وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشور نیز به میزان دیده شدن در گروه‌های مختلف مخاطبان حساس باشند. از این رو، مهجوریت اتفاقی یا به زعم برخی عمده سریال نسبت به میزان و شیوه تبلیغات آن، مورد انتقاد برخی کارشناسان قرار گرفته است. تردیدی نیست اگر سریال در زمان خود پخش می‌شد می‌توانست روی دیدگاه بسیاری مخاطبان آن زمان تلویزیون، اثر جدی‌تری داشته باشد و ای بسا بر وقوع برخی جدال‌ها در عرصه اجتماعی و سیاسی کشور، اثر بیگذارد اما به هر حال پخش دیرینه‌گام آن نیز خالصی از لطف نیست و افزایش حتی‌الامقدور جامعه مخاطبان، آن باید مورد اهتمام مسئولان و منتقدان و اهالی رسانه باشد. در این باره با مهدی نقویان، مدیر «سیمافیلیم» گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.



نگاه شما و مدیران تلویزیون پیش از پخش «سرزمین مادری» به میزان اقبال مخاطب به آن چه بود؟ انتظارتان از توجه مخاطبان بیشتر بود یا کمتر؟

در درجه اول برای ما، اهمیت پخش خود اثر بود که بعد از ۱۰سال به خاطر موانعی که در پید قدرت هیچ یک از مدیران ادوار مختلف سازمان هم نبود، بالاخره به آنتن برسد. رفع این موانع، واقعاً کار سختی بود. علی‌رغم اینکه همه از کیفیت اثر و موفقیت آن در صورت پخش مطلع بودند اما در طول ۱۰سال پخش آن متوقف ماند تا اینکه با پیگیری‌های شخص آقای جلیلی و سایر مدیران، این موانع برطرف شد.

اما در مورد پیش‌بینی ما از میزان اقبال مخاطبان هم مدیران سازمان به خوبی می‌دانند که تلویزیون شاید در هر دهه یک اثر از این دست داشته باشد که بتواند توجه مخاطب را این‌طور جلب کند و مختصات آن معلوم است. ما سریال‌های الف و بیزه را داریم که از قبل می‌دانیم با هزینه بالا و پروداکشن

سنگین قرار است روی آنتن چه بازخوردی داشته باشند و آثار دیگری هم داریم که در بدنه سازمان به آنها «الف فاخر» می‌گوییم و سریال‌هایی هستند که به آن اندازه هزینه بالا و تولید سنگین ندارند اما کیفیت محتوایی و تیم تولید، موفقیت احتمالی آن دست آثار را قابل پیش‌بینی می‌کند. این سریال‌ها معمولاً در هر دهه یک یا دو مورد اتفاق می‌افتند. در مورد «سرزمین مادری» هم ما انتظارش را داشتیم و الان هم پربیننده‌ترین تولید نمایشی تلویزیون است. البته در مورد درصد مخاطبان، شاید بالقوه می‌توانست درصد بالاتری باشد اما با مجموعه تحولاتی که در کشور رخ داد و نسبت تلویزیون را با مخاطب تغییر داد، این درصد کمتر شده است.

برخی منتقدند تلویزیون رفتار گرمی با پخش این سریال در پیش نگرفت و آن را از تبلیغات و دیده شدن محروم کرد. این انتقاد را تا چه اندازه وارد می‌دانید؟ این انتقاد اساساً نمی‌تواند وارد باشد.

سنگین قرار است روی آنتن چه بازخوردی داشته باشند و آثار دیگری هم داریم که در بدنه سازمان به آنها «الف فاخر» می‌گوییم و سریال‌هایی هستند که به آن اندازه هزینه بالا و تولید سنگین ندارند اما کیفیت محتوایی و تیم تولید، موفقیت احتمالی آن دست آثار را قابل پیش‌بینی می‌کند. این سریال‌ها معمولاً در هر دهه یک یا دو مورد اتفاق می‌افتند. در مورد «سرزمین مادری» هم ما انتظارش را داشتیم و الان هم پربیننده‌ترین تولید نمایشی تلویزیون است. البته در مورد درصد مخاطبان، شاید بالقوه می‌توانست درصد بالاتری باشد اما با مجموعه تحولاتی که در کشور رخ داد و نسبت تلویزیون را با مخاطب تغییر داد، این درصد کمتر شده است.

برخی منتقدند تلویزیون رفتار گرمی با پخش این سریال در پیش نگرفت و آن را از تبلیغات و دیده شدن محروم کرد. این انتقاد را تا چه اندازه وارد می‌دانید؟ این انتقاد اساساً نمی‌تواند وارد باشد.

برخی منتقدند تلویزیون رفتار گرمی با پخش این سریال در پیش نگرفت و آن را از تبلیغات و دیده شدن محروم کرد. این انتقاد را تا چه اندازه وارد می‌دانید؟ این انتقاد اساساً نمی‌تواند وارد باشد.

برخی منتقدند تلویزیون رفتار گرمی با پخش این سریال در پیش نگرفت و آن را از تبلیغات و دیده شدن محروم کرد. این انتقاد را تا چه اندازه وارد می‌دانید؟ این انتقاد اساساً نمی‌تواند وارد باشد.

و چه فنی، به علت فرصت کم برای رساندن آثار به آنتن، آسیب می‌بینند و کیفیت‌شان پایین می‌آید. از طرفی روزتولید شدن برخی سریال‌ها و اینکه روی آنتن به صورت اتفاقی محتوای نامناسبی پخش می‌شد و حساسیت‌ها و فشارها را روی نظارت پخش بالا می‌برد هم یکی دیگر از آسیب‌های فقدان کنداکتور مشخص بود.

اما اخیراً با حمایت مدیران، فیلمنامه‌ها در اختیار مراکز تولیدی قرار گرفته است. در کنار آن، ما یک پژوهش ۶ماهه در نحوه تبلیغات پلتفرم‌های داخلی و خارجی انجام دادیم که حاصلش یک کتابچه ۷۰صفحه‌ای است تا براساس آن، برای آثار در دست تولید سیمافیلیم در حدود ۵۰مرحله تبلیغاتی که طبق پژوهش از آغاز تولید تا پایان پخش، می‌توان پیش‌بینی کرد. کار تبلیغی انجام شود. این الگو هم از اردیبهشت‌ماه اجرایی می‌شود و نتیجه آن را منتقدان و کارشناسان در فضای اطراف سریال‌ها به روشنی خواهند دید.

حداقل کاری که سازمان می‌توانست برای «سرزمین مادری» پس از ۱۰سال انجام دهد، طراحی و تولید یک موسیقی تیتراژ با حضور یکی از خواننده‌های مطرح بود تا به دیده شدن و ماندگاری آن کمک پررنگ‌تری کند. اما همین میزان هم دریغ شد...

به طور کلی در مورد موسیقی تیتراژ به تهیه‌کننده‌ها دستورالعملی داده‌ایم که از این پس، آثار جدی‌تری را شاهد باشیم اما مشخصاً درباره این سریال از طرف تیم تولید هیچ پیشنهادی نبود و ما هم به ذهن مان نرسید. اگر پیشنهاد بود یا به آن فکر کرده بودیم حتماً انجام می‌شد و حرکت خوبی هم بود.

از سوی کارگردان هم اوایل، انتقاداتی به حقایق و کیفیت پخش وجود داشت. این انتقادات برطرف شده است؟

هسته می‌دانیم که سازمان در مسیر تحول است و تحول بدون تغییر در ساختارها، محقق نمی‌شود. طبیعتاً تغییر ساختارها، در وهله اول هنرمندانی را درگیر می‌کند که تا پیش از آن به ساختار قبلی عادت کرده و طبق نشناخت آن، تولید را انجام می‌دادند. تدبیر دوره مدیریت جدید سازمان این بوده که مرحله طراحی از تولید و بعد مرحله تولید از پخش، در ساختارهای جداگانه، تفکیک شود. البته این تغییرات شتاب‌زده هم نیست و در طول این مدت، به آرامی پنج مرکز ذیل معاونت سیما از هم جدا شده‌اند؛ ادما‌دها و برندشدن داشته باشند. گام سوم هم بازگرداندن نیروها و استفاده از توان همه هنرمندان است.

خودتان «سرزمین مادری» را می‌بینید؟ آن را دوست دارید؟ من به همراه خانواده کار را دنبال می‌کنم. نظر شخصی من این است که سریال از جهت محتوا و قصه‌گویی آقای طالب‌زاده بی‌ظنیر است و کارگردانی آقای تبریزی هم درخشان؛ اما نقطه قوت مهم‌تر سریال، رویکرد آن در شکل روایت تاریخ معاصر در قالب درام است که توانسته طیف‌های مختلف بیننده



کرده بود، این بار آرام‌تر پخش شود تا از آن عبور کنیم و دوباره موجب ایجاد سوءتفاهم برای بخشی از مخاطبان نشود. به علاوه ما در یک سال گذشته به علت کمبود و به‌هم‌ریختگی برنامه تولیدات نمی‌دانستیم تا پایان ماه چه چیزی روی آنتن می‌رود. درواقع همواره اوضاع تلویزیون همین‌طور بوده اما این اولین بار است که کنداکتور پخش منظم شده و ما از حالا به دقت می‌دانیم تا یک سال پیش ر یعنی تا نوروز ۱۴۰۴ چه تولیداتی داریم و چه زمانی به پخش می‌رسند.

یعنی اجتناب تلویزیون از پخش تیزرها و تبلیغات سریال‌ها به خاطر عدم اطمینان از رسیدن به موقع‌شان به پخش است؟ دقیقاً. ببینید این انتقاد همواره به سازمان وجود داشته که می‌گفتند در تلویزیون «تولید، گروگان آنتن است» به این معنا که آثار چه از جهت محتوایی

یعنی اجتناب تلویزیون از پخش تیزرها و تبلیغات سریال‌ها به خاطر عدم اطمینان از رسیدن به موقع‌شان به پخش است؟ دقیقاً. ببینید این انتقاد همواره به سازمان وجود داشته که می‌گفتند در تلویزیون «تولید، گروگان آنتن است» به این معنا که آثار چه از جهت محتوایی

آنها هم با حضور و تأیید تهیه‌کننده صورت گرفت. نکته مهم‌تر اینکه ما اصلاً اصلاحات را به شکل معمول اپراتوری به دست نظارت پخش ندادیم بلکه از قبل، با پرداخت هزینه، یک تدوینگر حرفه‌ای و هنرمند در کنار تهیه‌کننده و با توافق، اصلاحاتی اندک را صورت می‌دادند. این مسأله تا اندازه‌ای جدی بود که خود آقای تبریزی می‌گفتند حین پخش وقتی به همراه خانواده، سریال را تماشا می‌کردند ایشان به برخی اصلاحات اشاره می‌کرده اما خانواده با تعجب می‌پرسیدند که درباره چه حرف می‌زند! به این معنا که اصلاحات خیلی نرم و هنرمندانه صورت گرفته بوده است.

برجسته‌ترین مسأله در فضای افکار عمومی در ارتباط با «سرزمین مادری» حضور چهره‌هایی است که شاید دیگر هیچ وقت نتوانیم آنها را روی آنتن ببینیم...

این‌طور نیست. ۵۰درصد از چهره‌های شاخص این سریال همین الان با تلویزیون قرارداد تولید دارند و آثارشان بزودی در سال آینده دیده خواهد شد. اصلاً یکی از مأموریت‌هایی که سازمان به شخص بنده به عنوان مدیر سیمافیلیم داده همین است که با این چهره‌ها گفت‌وگو کنم. برگرداندن آنها و حل مشکلات‌شان، کار روزانه ماست. این چهره‌ها سرمایه‌های تلویزیون و سرمایه‌های فرهنگی کشور هستند و ما به سادگی از کنار این سرمایه‌ها نمی‌گذریم.

اما بالاخره این هم یک رابطه دوطرفه است. بسیاری از آنها، شرایطش را ندارند و حتی بعضاً تا ۱۵سال آینده، وقت‌شان پر است و پروژه‌هایشان را بسته‌اند. برخی هم هماهنگی فکری و اعتقادی ندارند. با این وجود، ما در یک سال گذشته موفق شدیم با بسیاری از آنها به قرارداد برسیم و این موضوع مختص بازیگران هم نیست. برخی از کارگردان‌هایی که چندسالی است در سینما و نمایش خانگی حضور جدی دارند، در سال آینده به تلویزیون باز خواهند گشت.

در ۶ماه گذشته ما بین ۱۵ تا ۲۰ سریال دوربین روشن داشته‌ایم و برای تولید هم سه گام طراحی کرده‌ایم؛ گام اول، احیای برندها و فصل‌سازی به منظور استفاده از سرمایه‌های محتوایی تلویزیون است که «نون،خ» و «پایتخت» از آن دست هستند. گام دوم، تولید برندهای جدید است که پیش‌بینی می‌کنیم دو یا سه مورد از آثار در دست تولید، قابلیت ادامه‌دار و برندشدن داشته باشند. گام سوم هم بازگرداندن نیروها و استفاده از توان همه هنرمندان است.

خودتان «سرزمین مادری» را می‌بینید؟ آن را دوست دارید؟

من به همراه خانواده کار را دنبال می‌کنم. نظر شخصی من این است که سریال از جهت محتوا و قصه‌گویی آقای طالب‌زاده بی‌ظنیر است و کارگردانی آقای تبریزی هم درخشان؛ اما نقطه قوت مهم‌تر سریال، رویکرد آن در شکل روایت تاریخ معاصر در قالب درام است که توانسته طیف‌های مختلف بیننده

یادداشت

روایتی از تنوع آدم‌های انقلابی در مسیر رسیدن به هدفی مشترک

هفته‌ای که گذشت فصل دوم سریال «سرزمین مادری» به اتمام رسید؛ سریالی که بعد از یک دهه روی آنتن رفت و در فضای بی‌اعتمادی مخاطب به صداوسیما ذبح شد اما با این حال کم‌کم خود را بالا کشید و حالا در صدر نظرسنجی‌های صداوسیما با حدود ۲۹ درصد مخاطب قرار دارد. شاید اگر این سریال در زمان خودش



مصطفی منوچک کیا روزنامه‌نگار

پخش می‌شد مخاطب واقعی‌اش را پیدا می‌کرد هر چند به نظر می‌رسد بازپخش‌های بعدی این سریال بتواند مخاطب بیشتری را برای صداوسیما و این سریال به ارمغان بیاورد. «سرزمین مادری» در فصل اول سعی کرد وقایع منتهی به کودتای ۲۸ مرداد را به تصویر بکشد. روایت درست و واقعی منطبق با مسائل تاریخی از جمله اتفاقاتی بود که در سریال نمایش داده شد. سازندگان اثر بدون توجه به هیاهوها سعی کردند تاریخ را طوری در قالب قصه توصیف کنند که مخاطب درک درستی از وقایع داشته باشد.

نمایش جزئیات تاریخی اگر فاقد عنصر قصه و داستان‌پردازی باشد در نهایت یک گزارش تاریخی است که در قالب تصویر نمایش داده می‌شود و نتیجه‌اش همان معمای شاه می‌شود اما در «سرزمین مادری» ما هم حضور توده‌ای‌ها را دیدیم و هم کودتا دیدیم بدون آنکه به صورت گل‌درشت بخواهد بخشی از تاریخ را مصادره کند، بلکه وقایع تاریخی طوری در داستان چیده شده که مخاطب خودش مسیر وقایع را متوجه می‌شود. اگر فصل اول سریال را مقدمه بدانیم باید فصل میانی یا دوم سریال «سرزمین مادری» را یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی درباره انقلاب اسلامی بدانیم. در این فصل موضوعاتی در قالب نمایش مطرح شده که تقریباً سابقه نداشته است.

اگرچه تاریخ مستندات زیادی درباره حضور بهائیت در ساختار حکومت پهلوی دارد، اما کمتر نمایش تصویری بوده است که تا به حال درست و دقیق آن را نشان داده باشد اما این مسأله در سرزمین مادری به درستی با نشانه‌گذاری‌های آشکار بیان شد و حتی ناراضیان داخل سیستم آن را نیز برای مخاطب نمایان کرد. از دیگر اتفاقات مهمی که فصل دوم «سرزمین مادری» به آن به درستی و با استفاده از عناصر نمایشی پرداخت مسائل مربوط به شروع قیام حضرت امام بود.

به کارگری عنصر درام و شخصیت‌پردازی صحیح باعث شد مخاطب کنجکاو شود تا درباره آن بداند. نمایش فاعله حمله خونین عناصر پهلوی به مدرسه فیضیه بخشی از این روایت بود که به درستی در قالب خود نشست و مخاطب صرفاً یک بخشی از تاریخ را تماشا نمی‌کرد بلکه داستانی را مشاهده می‌کرد که در یک بازه تاریخی رخ داده و سازنده علاوه بر روایت قصه مسلمان سنی داشتند سکوت در برابر ظلم پهلوی را توجیه کنند و حرکت امام علیه‌رضیم طاغوت را ماجراجویی می‌خوانند. هوشیاری تیم «سرزمین مادری» آنجا بود که رهی به عنوان شخصیت اصلی داستان با این طیف پیوند خانوادگی پیدا می‌کند و ماجرا این قدر پیش می‌رود تا مقابله این قبیل مذهبیون متحجر به همکاری با دستگاه ساواک و مقابله با حرکت و مبارزه مردم برسد. این روایت‌سازی در قالب تصویر به حدی در جای خود درست روایت شده است که کسی نمی‌تواند ایرادی به آن وارد کند، چرا که حضرت امام بارها خون دل خوردن



خود از این جماعت متحجر را عیان کرده بود. از سوی دیگر «سرزمین مادری» از مبارزین علیه پهلوی یکسره شخصیت‌های سفید و مثبت ارائه کرده است بلکه سعی کرده تا با نشان دادن طیف متنوع، قیام امام را حرکتی انسان‌ساز نمایش دهد. در این راستاست که شخصیتی چون ناصر قصاب در ابتدای اثر در خدمت عمله ظلم پهلوی قرار دارد اما در ادامه در خدمت مبارزه با ظلم حرکت می‌کند.

همچنین شخصیت قاسم با بازی جواد عزتی را که در اثر شکنجه تمام مبارزان اطراف خود را لومی دهد نیز در سریال می‌بینیم. این چنینی می‌شود که مخاطب جمع متنوعی از آدم‌های انقلابی را می‌بیند که برای یک هدف مشترک که همان روایت درست از تاریخ معاصر است، جمع شدند اما افسوس که حاشیه‌های ده سال قبل باعث شد جمع طلایی بازیگران آن بهم خورد و در فصل سوم بازیگران جدیدی به «سرزمین مادری» اضافه شوند که ممکن است در روند آن کمی اختلال ایجاد کند.

در مجموع «سرزمین مادری» یکی از بهترین فرصت‌های نمایشی در تاریخ جمهوری اسلامی است که این چنین هنرمندانه درباره دوران پهلوی ساخته شده است و جا دارد مسئولان فرهنگی قدر این حرکت درست را بدانند و به طریق شایسته سازندگان و بازیگران آن را تقدیر کنند.



عام را با خود همراه کند. ژانر تاریخی، ژانر سنجین و خشکی است و اگر خوب ساخته نشود، ظرفیت‌های زیادی را هدر می‌دهد. اما «سرزمین مادری» نه تنها قصه‌ای زنده و پویا را درباره تاریخ معاصر روایت می‌کند بلکه همه برهه‌های حساس را هم با عمق اندیشه‌ای در جدال میان کاراکترهای مختلف، بدون شعار به نمایش می‌گذارد.

معمولاً از غیاب بازیگران می‌پرسیم و در حق مؤلف و ایده‌پرداز اصلی سریال‌ها بازی می‌انیم. آقای طالب‌زاده تلویزیون را در سال‌های آینده همراهی خواهند کرد؟

ایشان یک فیلمنامه آماده داشتند که در ابتدا با حساسیت‌هایی روبه‌رو شد اما بعد با اطلاعی که دارم آقای جلیلی، دستور رفع مشکلات را داده‌اند تا در آینده در مسیر تولید قرار بگیرد.



خود از این جماعت متحجر را عیان کرده بود. از سوی دیگر «سرزمین مادری» از مبارزین علیه پهلوی یکسره شخصیت‌های سفید و مثبت ارائه کرده است بلکه سعی کرده تا با نشان دادن طیف متنوع، قیام امام را حرکتی انسان‌ساز نمایش دهد. در این راستاست که شخصیتی چون ناصر قصاب در ابتدای اثر در خدمت عمله ظلم پهلوی قرار دارد اما در ادامه در خدمت مبارزه با ظلم حرکت می‌کند.

همچنین شخصیت قاسم با بازی جواد عزتی را که در اثر شکنجه تمام مبارزان اطراف خود را لومی دهد نیز در سریال می‌بینیم. این چنینی می‌شود که مخاطب جمع متنوعی از آدم‌های انقلابی را می‌بیند که برای یک هدف مشترک که همان روایت درست از تاریخ معاصر است، جمع شدند اما افسوس که حاشیه‌های ده سال قبل باعث شد جمع طلایی بازیگران آن بهم خورد و در فصل سوم بازیگران جدیدی به «سرزمین مادری» اضافه شوند که ممکن است در روند آن کمی اختلال ایجاد کند.

در مجموع «سرزمین مادری» یکی از بهترین فرصت‌های نمایشی در تاریخ جمهوری اسلامی است که این چنین هنرمندانه درباره دوران پهلوی ساخته شده است و جا دارد مسئولان فرهنگی قدر این حرکت درست را بدانند و به طریق شایسته سازندگان و بازیگران آن را تقدیر کنند.